



## اقتصاد (فقه)

تنظیم و ساماندهی اموال خصوصی و عمومی و عملیات مرتبط با آن را اقتصاد می‌گویند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - تعریف واژه اقتصاد
- ۲ - بیان علم اقتصاد
- ۳ - بانیهای فقهی مرتبط با اقتصاد
- ۴ - ارکان اقتصاد
  - ۴.۱ - بیان مالکیت
    - ۴.۱.۱ - مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی
    - ۴.۱.۲ - تملک مال
    - ۴.۱.۳ - اسراف در هزینه مال
    - ۴.۱.۴ - موارد قابل تملک
    - ۴.۱.۵ - تعلق یافتن مالکیت
    - ۴.۱.۶ - اسباب ملکیت عین
    - ۴.۱.۷ - اسباب ملکیت منفعت
    - ۴.۱.۸ - اسباب ملکیت انتفاع
  - ۴.۲ - بیان آزادی اقتصادی
    - ۴.۲.۱ - تدابیر اسلام برای آزادی
    - ۴.۲.۲ - اختیارات حاکم اسلامی
  - ۴.۳ - بیان عدالت اجتماعی
    - ۴.۳.۱ - تعریف ثروت
- ۵ - منابع طبیعی تولید
  - ۵.۱ - زمین، اولین منابع طبیعی
    - ۵.۱.۱ - واگذاری و توزیع زمین
    - ۵.۲ - معادن، دومین منابع طبیعی
    - ۵.۳ - آبهای طبیعی، سومین منابع طبیعی
    - ۵.۴ - سایر ثروتها از منابع طبیعی
  - ۶ - درآمدهای حاصل از منابع طبیعی
    - ۶.۱ - مالکیت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی
      - ۶.۱.۱ - بیان اختلاف در مالکیت درآمد
    - ۷ - پرداخت اجرت عوامل تولید
      - ۷.۱ - اجرت در قالب عقد اجاره
      - ۷.۲ - اجرت در قالب عقد مزارعه
      - ۷.۳ - اجرت در قالب عقد مساقط
      - ۷.۴ - اجرت در قالب عقد مضاربه
      - ۷.۵ - اجرت در قالب عقد جماله
    - ۸ - روشهای پرداخت اجرت عامل
  - ۹ - پانویس
  - ۱۰ - منبع

### تعریف واژه اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای اعتدال و میانه روی است و آنچه در شناسه آمده اصطلاحی در علم اقتصاد است.

علم اقتصاد عبارت است از دانش بررسی تولید ثروت و مصرف کالاها و خدمات و سامان دادن به ثروت، صنعت و منابع ملی و استفاده بهینه از اندیشه‌ها. [۱] الفقه ج ۱۰۷، ص ۹.

## بابهای فقهی مرتبط با اقتصاد

اسلام در کنار توجه به بُعد معنوی حیات انسانی، به زندگی مادی و حیات اقتصادی بشر نیز توجه ویژه کرده است. از این رو، در فقه، بابهای بسیاری به شئون مختلف این بُعد از زندگی انسان اختصاص یافته است، مانند زکات، خمس، انفال، تجارت، قرض، دین، رهن، تفلیس، حجر، ضمن، حواله، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، کفالت، وقف، صدقات، عطیه، هبه، سبیق و رمایه، وصیت، عتق، جعاله، کفارات، صید و ذبح، اطعمه و اشراف، غصب، شفعه، احیاء موات، لقطه، ارث و دیات. همچنین بخشهایی از دیگر بابها به گونه‌ای با مسائل مالی مرتبطند، مانند نکاح، خلع، یمین، نذر و عهد. مباحث اقتصادی با بیش از صد هزار مسئله، افزون بر یک چهارم مباحث فقه را در بر می‌گیرد و حجم به نسبت زیادی از آیات و روایات را به خود اختصاص داده است. [۲] الفقه ج ۱۰۷، ص ۴۴.

## ارکان اقتصاد

اقتصاد اسلامی بر سه پایه کلی یعنی مالکیت، آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی استوار است.

### ← بیان مالکیت

مراد از مالکیت، اختصاص مالی به مالک است؛ به گونه‌ای که بر هر نوع تصرف مشروع در آن، استیلا و سلطنت داشته باشد.

### ← مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی

برخی، مالکیت را به مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی تقسیم کرده‌اند. مالکیت خصوصی یا فردی عبارت است از مالکیت شخص حقیقی یا حقوقی نسبت به مالی و مالکیت عمومی یا اجتماعی (اشتراکی و جمعی) به معنای مالکیت جمعی نسبت به آن است، مانند مالکیت همه مسلمانان نسبت به زمینهای آباد در زمان فتح. مالکیت دولتی نیز به معنای مالکیت دولت اسلامی نسبت به اموالی است که به امام علیه السلام تعلق دارد، مانند انفال. [۳] اقتصادنا ص ۲۸۱-۲۸۲. [۴] الفقه ج ۱۰۷، ص ۲۸۴.

### ← تملک مال

تملک مال تنها از راه حلال (اسباب شرعی آن) امکان پذیر است. چنان که تصرف نیز باید مشروع باشد. از این رو، تملک مال از راه غیر مشروع، مانند غصب، زدی و ربحرام و باطل است.

### ← اسراف در هزینه مال

اسراف و تبذیر در هزینه کردن مال، ممنوع و حرام است. چنانکه در پاره‌ای موارد، ذخیره کردن مال نیز جایز نیست. [۵] الفقه ج ۱۰۷، ص ۲۸۸-۲۸۷.

### ← موارد قابل تملک

هر چیزی که مالیت دارد حتی انسان برده قابل تملک است، مگر به دلایلی استثنا شده باشد، مانند شراب و خوک برای مسلمان. [۶] الفقه ج ۱۰۷، ص ۱۲۳. [۷] الفقه ج ۱۰۷، ص ۱۷۲.

### ← تعلق یافتن مالکیت

آنچه مالکیت بدان تعلق می‌گیرد یا عین است، مانند زمین و خانه یا منفعت، مانند سکونت در خانه و یا انتفاع، مانند استفاده از مال عاریه‌ای.

## ← اسباب ملکیت عین

سبب حصول ملکیت عین یا **عقد معاوضی** است، مانند **بیع**، **صلح**، **مزارعه**، **مساقات**، و **مضاربه** یا غیر معاوضی، مانند **هبه**، **صدقه** و **وصیت** به مال موجود و مشخص و یا غیر عقد است، مانند **حیازت**، **احیاء موات**، **غنیمت** گرفتن و پیدا کردن مال گم شده.

## ← اسباب ملکیت منفعت

سبب حصول ملکیت منفعت نیز یا **عقد معاوضی** است، مانند **اجاره** یا غیر معاوضی، مانند **وصیت** به منفعت مالی همچون سکونت خانه و برخی انواع **وقف** و یا غیر عقد است، مانند فتح سرزمینهای **کفار** با جنگیدن.

## ← اسباب ملکیت انتفاع

سبب حصول ملکیت **انتفاع** نیز یا عدم معاوضی است، مانند مالکیت انتفاع **شوهر** از **همسر** خویش به واسطه عقد **نکاح** یا غیر معاوضی، مانند برخی دیگر از انواع وقف و یا غیر عقد است، مانند مالکیت **مهمان** نسبت به انتفاع از آنچه **میزبان** برای او فراهم آورده است.

[۱۸] القواعد و الفوائد ج ۱، ص ۳۶.

[۱۹] الموسوعة الفقهية الميسرة ج ۲، ص ۱۷۶.

## ← بیان آزادی اقتصادی

**آزادی انسان** در انتخاب هر نوع **کسب** و **تجارت**، اعم از فکری و بدنی در چارچوب قوانین شرعی و ارزشهای معنوی و اخلاقی، رکن دیگر اقتصاد است.

## ← تدابیر اسلام برای آزادی

**اسلام** برای تحقق آزادی در قلمرو یاد شده، تدابیری اندیشیده است، از جمله:

یک. از انجام دادن پارهای اعمال در عرصه اقتصاد که مانع تحقق ارزشهای اخلاقی و معنوی است جلوگیری کرده است، مانند **ربا**، **احتکار** و **غش**.  
دو. **حاکم** اسلامی را ناظر بر فعالیتهای اقتصادی قرار داده و برای دولت اسلامی این حق را قائل شده که فعالیتهای اقتصادی افراد را در چارچوب **شریعت** در مسیر مصالح عمومی امت اسلامی سامان دهد.

## ← اختیارات حاکم اسلامی

کسی، حتی حاکم اسلامی نمی‌تواند ربا را **حلال** کند یا قانون **ارث** را تعطیل نماید و یا مالکیت فردی را لغا کند. البته حاکم اسلامی می‌تواند به جهت **ضرورت** و حفظ **مصلحت** عمومی، نسبت به اعمال و تصرفات **میاح** افراد، محدودیت ایجاد کند.

[۲۰] اقتصادنا ص ۲۸۴-۲۸۸.

[۲۱] الفقه ج ۱۰۶، ص ۲۳۱-۲۳۶.

## ← بیان عدالت اجتماعی

اصل **عدالت** اجتماعی در توزیع **ثروت** میان انسانها در جامعه اسلامی، رکن دیگر اقتصاد است.

## ← تعریف ثروت

ثروت عبارت است از منابع مادی و طبیعی تولید و نیز درآمدهای حاصل از آن.

[۲۲] اقتصادنا ص ۴۱۱-۴۱۴.

توزیع ثروت در هر دو مرحله باید به گونه‌ای باشد که ضمن برآوردن نیازهای فرد، تأمین کننده رشد معنوی و انسانی او باشد.

## منابع طبیعی تولید

منابع طبیعی به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارت است از: زمین، معادن، آبهای طبیعی و سایر ثروتها.

## ← زمین، اولین منابع طبیعی

زمین که مهم‌ترین ثروت طبیعی است از نظر ملکیت یا در حوزه مالکیت خصوصی است یا عمومی و یا دولتی. [\[۱۳\]](#) اقتصادنا ص ۴۳۹-۴۵۱.

#### ← واگذاری و توزیع زمین

**اقطاع و جمی** از روشهای واگذاری و توزیع زمین است که با شرایطی از سوی **پیامبر** صلی الله علیه و آله با **امام** علیه السلام صورت می‌گیرد. [\[۱۴\]](#) اقتصادنا ص ۴۸۴-۴۹۳.

#### ← معادن، دومین منابع طبیعی

**معادن** که نقش بسزایی در زندگی اقتصادی **بشر** دارد، به **معادن** ظاهری، مانند معادن **نمک** و معادن باطنی، مانند معادن **طلا** و **نقره** تقسیم می‌شود. در اینکه معادن از مشترکات است یا از **انفال اختلاف** است. [\[۱۵\]](#) اقتصادنا ص ۴۷۹.

#### ← آبهای طبیعی، سومین منابع طبیعی

آبهای طبیعی به آبهای آزاد، مانند **دریاها** و چشمه‌های طبیعی و آبهای عمیق که با **حجاری** به دست می‌آید، تقسیم می‌شود. بخش اول، ملک کسی نیست و همگان در انتفاع از آن یکسانند. ولی در بخش دوم، عمل، حق خاصی پیدا می‌کند که دیگران نمی‌توانند در انتفاع، مزاحم او گردند. [\[۱۶\]](#) اقتصادنا ص ۴۹۵-۴۹۸.

#### ← سایر ثروتها از منابع طبیعی

سایر ثروت‌های طبیعی از مباحات اصلی به شمار می‌روند و هرکس با کار مناسب روی آنها حق استفاده و تملک پیدا می‌کند؛ اعم از آنچه که از دریاها و رودخانه‌ها به دست می‌آید، مانند **مروارید**، **مرجان** و **ماهی** یا آنچه در **هوا** و زمین زندگی می‌کند یا می‌روید، مانند پرنندگان، حیوانات و گیاهان، و یا انرژی‌های موجود در طبیعت، همچون نیروی الکتریسیته که با ابزار و عملیاتی ویژه قابل **انتقال** و بهره برداری است.

#### درآمدهای حاصل از منابع طبیعی

درآمدهای حاصل از منابع طبیعی در صورتی که منابع، ملک دیگری نباشد، ملک کسی است که آن را به دست آورده است؛ حتی اگر ابزار به کار رفته برای به دست آوردن این درآمدها از آن دیگری باشد، صاحب ابزار از درآمد سهمی نمی‌برد و تنها استحقاق **اجرت** آن ابزار را از به کار گیرنده دارد. [\[۱۷\]](#) اقتصادنا ص ۵۵۹.

#### ← مالکیت درآمدهای حاصل از منابع طبیعی

آیا در مالکیت این نوع ثروت، **مباشرت** مالک **شرط** است یا نه؟ اختلاف است. بنا بر شرط بودن، کسی **مالک** است که ثروت را فراهم آورده است. برای مثال، گردآورنده **هیزم** از **جنگل**، مالک است و اگر کسی، دیگری را برای این کار **اجیر** یا **وکیل** کند، هیزم جمع‌آوری شده، ملک اجیر یا وکیل خواهد بود، نه **مستأجر** یا **موکل**.

#### ← بیان اختلاف در مالکیت درآمد

اختلاف یاد شده در فرضی است که درآمد از منبع طبیعی باشد؛ اما اگر اصل ماده از آن دیگری باشد درآمد نیز از آن اوست، مانند آنکه کسی **بذر** فردی دیگر را در زمینی بکارد، که در این صورت، محصول به دست آمده از آن صاحب بذر است نه کشت کننده آن. [\[۱۸\]](#) اقتصادنا ص ۵۶۰-۵۶۶.

#### پرداخت اجرت عوامل تولید

اجرت عامل تولید در قالب عقوقی مانند **اجاره**، **مزارعه**، **مساقت**، **مضاربه** و **جعاله** پرداخت می‌شود.

#### ← اجرت در قالب عقد اجاره

تولید کننده می‌تواند **زمین** و ابزار تولید مورد نیاز خود را در قبال اجرتی معین از دیگری **اجاره** کند. چنان‌که برای کارهای خدماتی همچون خیاطی، فروشندگی یا خرید کالاهای تجاری می‌تواند شخصی را استخدام نماید و اجرت تعیین شده را پس از پایان کار به وی بپردازد. [۱۹۱] اقتصادنا ص ۵۷۱-۵۷۲.

#### ← اجرت در قالب عقد مزارعه

در عقد **مزارعه** که بین صاحب زمین و **کشاورز** منعقد می‌شود کشاورز در ازای کار بر روی زمین، با صاحب **زمین** در سهمی از محصول شریک است. در این جا شرکت میان دو عنصر؛ یکی کار از ناحیه کشاورز و دیگری زمین و بذر از ناحیه مالک صورت گرفته است. [۲۰۱] اقتصادنا ص ۵۷۲-۵۷۳.

#### ← اجرت در قالب عقد مساقط

در عقد **مساقط** که میان صاحب درختان و عامل صورت می‌گیرد عامل در ازای کار، با صاحب درختان در سهمی از محصول **شریک** می‌شود. [۲۱۱] اقتصادنا ص ۵۷۲-۵۷۳.

#### ← اجرت در قالب عقد مضاربه

در عقد **مضاربه** که بین صاحب **سرمايه** و عامل منعقد می‌شود عامل در ازای کارهای تجاری با سرمايه يادشده، با سرمايه‌دار در **سود** شریک می‌شود. [۲۲۱] اقتصادنا ص ۵۷۳-۵۷۴.

#### ← اجرت در قالب عقد جعاله

بر اساس عقد **جعاله**، عامل متعهد می‌شود عمل **جایز** معینی را در قبال دریافت **اجرت**، انجام دهد.

#### روشهای پرداخت اجرت عامل

از آنچه بیان شد این نتیجه به دست می‌آید که برای پرداخت اجرت خدمت عامل، دو روش وجود دارد: الف. روش **دستمزد** که تحت عناوین **اجاره** و **جعاله** پرداخت می‌گردد. ب. روش شرکت در منافع و محصول که در قالب عناوین **مزارعه**، **مساقط** و **مضاربه** مطرح است. [۲۳۱] اقتصادنا ص ۵۸۵-۵۸۶.

#### پانویس

۱. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۹.
۲. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۴۴.
۳. ↑ اقتصادنا ص ۲۸۱-۲۸۲.
۴. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۲۸۴.
۵. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۲۸۸-۲۸۷.
۶. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۱۲۳.
۷. ↑ الفقه ج ۱۰۷، ص ۱۷۲.
۸. ↑ القواعد و الفوائد ج ۱، ص ۳۶.
۹. ↑ الموسوعة الفقهية الميسرة ج ۲، ص ۱۷۶.
۱۰. ↑ اقتصادنا ص ۲۸۴-۲۸۸.
۱۱. ↑ الفقه ج ۱۰۶، ص ۲۳۱-۲۳۶.
۱۲. ↑ اقتصادنا ص ۴۱۱-۴۱۴.

۱۳. [اقتصادنا ص ۴۳۹-۴۵۱](#) ↑
۱۴. [اقتصادنا ص ۴۸۴-۴۹۳](#) ↑
۱۵. [اقتصادنا ص ۴۷۹](#) ↑
۱۶. [اقتصادنا ص ۴۹۵-۴۹۸](#) ↑
۱۷. [اقتصادنا ص ۵۵۹](#) ↑
۱۸. [اقتصادنا ص ۵۶۰-۵۶۶](#) ↑
۱۹. [اقتصادنا ص ۵۷۱-۵۷۲](#) ↑
۲۰. [اقتصادنا ص ۵۷۲-۵۷۳](#) ↑
۲۱. [اقتصادنا ص ۵۷۲-۵۷۳](#) ↑
۲۲. [اقتصادنا ص ۵۷۳-۵۷۴](#) ↑
۲۳. [اقتصادنا ص ۵۸۵-۵۸۶](#) ↑

منبع

[فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص ۶۴۱-۶۴۶](#)

رده‌های این صفحه: [اقتصاد](#)